

میدان فدراسیون

ترجمه و تدوین: وحید تقی باری - پیوند فیروزه

گروه «لب آرکیتکچر» نیز، پس از موفقیت در مسابقه بی‌درنگ آتیله خود را به شهر ملبورن منتقل کرد و به سرعت مشغول کار شد. از آنجا که سایت پروژه در قسمت‌هایی بر روی خطوط راه آهن در حال بهره‌برداری بین شمال و جنوب واقع می‌شد، طراحی آن دارای پیچیدگی بسیار زیادی بود و همین پیچیدگی و راه حل ارائه شده بود که در نهایت منجر به تحسین همگان شد.

دستورالعمل اصلاحی این پروژه در نهایت برای مساحتی در حدود ۵۵۰۰ مترمربع درنظر گرفته شد که گالری‌های استرالیا به عنوان بزرگترین عناصر طرح، مرکز تصاویر متحرک استرالیا (ACMI)، سینماها و استودیوهای ادارات، استودیوهای ضبط شبکه رادیو و تلویزیون سراسری (SBS)، باگ‌زمستانی و فضاهای نمایشی و ... را دربر می‌گرفت. مغازه‌ها، کافه‌ها و رستوران‌ها نیز عناصر تجاری طرح را خلق کرده بودند و نقطه کلیدی پروژه که عناصر متامیز را گرد هم می‌آورد، یک میدان عمومی جدید و چند عملکردی بود که فعالیت‌های متنوعی از تظاهرات سیاست و کنسرت‌های موسیقی تا مراسم دولتی را در خود جای می‌دهد.

چارلز جنکز معتقد است که میدان فدراسیون در قالب نسخه معاصری از میدان سن مارکو^۱ در وین ایتالیا و به عنوان مرکزی برای گردهمایی در تقاطع خیابان‌های اصلی ملبورن درآمده و از لحاظ نسبت‌های ظاهري، شکل L مانند و ترکیبندی دارای شاخنهای مشابهی با میدان سن مارکو است ولی در عین حال وجود قابلیت‌های ویژه در این میدان، مانند صفحه نمایش عریض دیجیتالی و نیز ظرفیت بزرگ جمعیتی آن باعث شده تا بعضاً جمعیت انبوهی در آن گرد هم آیند، مانند ۳۰/۰۰۰ نفری که ناظر به شکست تیم ملی فوتبال انگلستان بودند و یا ۵۰/۰۰۰ نفری که در تظاهرات برای مخالفت با جنگ عراق در این میدان گرد هم آمدند.

به سال ۱۹۹۷ و در شهر ملبورن استرالیا یک مسابقه معماری برگزار شد که در آن از شرکت کنندگان خواسته شده بود تا در طراحی مجموعه شهری و میدان فدراسیون آن شهر شرکت کنند.

شهر ملبورن که با پیشینه تاریخی و واحد پول قدیمی خود همواره به عنوان شهری با فرهنگ و اصیل و هنرپرور قلمداد می‌شود به عنوان رقیبی جدی در مقابل شهر سیلانی پر زرق و برق ولی در عین حال سطحی، مطرح شده است. از طرفی محل قرارگیری سایت مجموعه که درست در قلب مرکز تجاري شهر و میان ساختمان‌های عمومی و اصلی آن بود می‌توانست نیاز مبرم شهر به ساختمان‌هایی شاخص و نمادین را برطرف سازد.

معماران آمریکایی در دهه ۷۰ میلادی قرن بیستم، موضوع کثرت گرایی فرهنگی و تنوع قومی را در عرصه معماري وارد کردند و بر مبنای آن معماری نوینی را بنا نهادند. در سال‌های اخیر نیز بحث در باب کثرت گرایی و تضاد و پیچیدگی در معماری رفته رفته به فراسوی مرزهای ایالات متحده پا گذاشت و به استرالیا که مدت‌های مديدة به عنوان مستعمره اداره می‌شد، نفوذ یافته است.

در سال ۲۰۰۱ میلادی، سرانجام استرالیا توانست با همپرسی عمومی در کشور، از حالت مستعمره صرف درآمده و تبدیل به فدراسیونی شامل ۸ ایالت نسبتاً بزرگ شود که ایالت‌های آن نیز به طور نسبی دارای خودمختاری هستند و از طرفی تنوع قومی جمعیت این کشور نیز به رسمیت شناخته شده است. در مسابقه طراحی میدان فدراسیون، این نخستین باری بود که از معماران خواسته می‌شد تا تنوع قومی و هویت پیچ در پیچ ملی استرالیا را برپایه پیچیدگی و گونه‌گونی اقلیت‌های قومی و نژادی بیان کنند.

موضوع مسابقه توجه گروه‌های معماری بسیاری را به خود جلب کرده بود ولی در نهایت این گروه «لب آرکیتکچر»^۲ بود که به رهبری پیتر دیویدسون^۳ استرالیایی و دونالد بیتز^۴ تگزاسی توانست پیروز شود.

میدان فدراسیون در مقابل مجموعه‌ای از برج‌ها و آسمان‌خراش‌های مدرن شهر ملبورن از طرفی و کلیساهاي قرن نوزدهم و ایستگاه راه آهن از طرف دیگر و در نهایت در کناره ساحل رودخانه بارا^۵ واقع شده است.

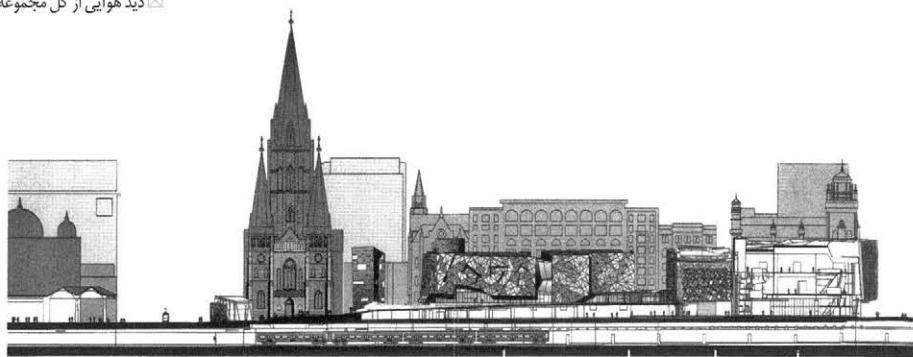
تنوع کاربری‌های اطراف سایت این پروژه با کثرت گرایی کاربری‌های داخل پروژه که شامل: موزه هنرهای مدرن استرالیا، بخشی از گالری ملی ویکتوریا، مرکز تصاویر متحرک استرالیا (ACMI)، سینماهای دیجیتال، دفاتر گردشگری، مغازه‌های کتاب و موسیقی، یک مرکز فروش بزرگ شهری ... و سرانجام یک دهیلیز عظیم سرپوشیده است که از میان بنا می‌گذارد، تشید شده است.

به عقیده چارلز جنکز، بداندیشان ممکن است این میزان تنوع کاربری‌های مختلف و تا این سطح را صرفاً بازار مکاره‌ای برای جلوه دادن برخی جنبه‌های هنری بداند ولی با درک متقابلي از میدان فدراسیون می‌توان به این پندار رسید که این مجموعه هسته مرکزی جدید و فضای عمومی مدرنی برای شهری است که هیچ گاه یک میدان مرکزی یا فضایی برای تجمع عمومی نداشته است. وی می‌افزاید:

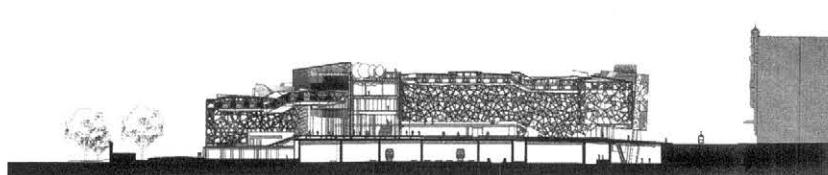
«ایده‌های فرامدن آمریکایی در این میدان در جهت نوینی که همان تجزیه کلیت شیء به ریزترین اجزاء خود و محوسازی اختلافات موجود بین اسکال مختلف است، شکوفا شده و به عبارتی هدف این مجموعه «ایجاد پیوستگی از طریق اختلاف» است.»



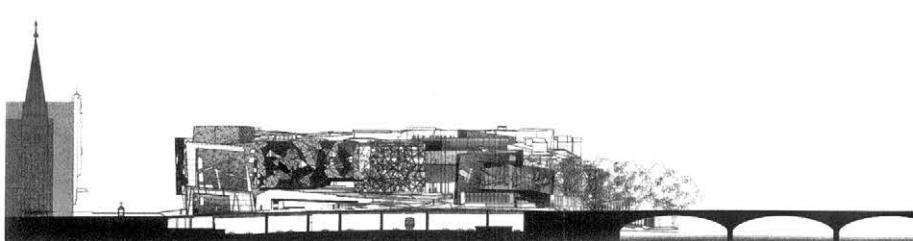
☒ دیدهولی از کل مجموعه



section through piazza looking north towards cathedral and ACMI



section through south and north atria looking west



section through piazza looking east

☒ مقاطع طولی و عرضی از مجموعه

در عرض یک هفته پس از موفقیت در مسابقه معماری، گروه لب آرکیتکچر در حال مذاکره با مهندسین راه آهن برای حل معضلات سایت پروژه بود تا مشخص شود که دیوارهای فرعی بین خطوط راه آهن در کجا باید قرار بگیرند و همین طور محوطه پیهای کمکی و پایه‌ها در چه مکانی باید در نظر گرفته شوند و این موضوع حتی قبل از مشخص شدن فرم و محل قرارگیری نهایی و قطعی ساختمان و به پایان رساندن کار سایت انجام شده بود. به علت همین پیچیدگی‌ها و تغییر برنامه‌ها، پروژه با تأخیر زیادی مواجه شد و هزینه‌ها نیز به بالاتر از ارقام تخمین اولیه افزایش پیدا کرد تا جایی که دیوپتسون گفته است: «ما خود را مانند سرپرستان پروژه‌ای پر از شک و عدم قطعیت فرض می‌کردیم».

گروه لب، طراحی را با کشیدن و ساختن مدلی از ساحل درهم پیچیده رودخانه «یارا» آغاز کرد و معتقد بود که این کار نه صرفاً یک ابزار گرافیکی بلکه به عنوان قسمتی از فرایند طراحی و ساختن خاص این گروه می‌باشد. بدایفت میدان نیز توجه زیادی معطوف شده بود و همچنین باز زندگانی و احیاء این قسمت از شهر اولویت بیشتری داشت تا صرفاً برای یک ساختمان و سازه بزرگ در این میدان.

گروه می‌گوید: در حالی که کار جلو می‌رفت و طرح پیشرفت می‌نمود، ساختمان از دل سایت پدیدار می‌شد، جریان می‌یافتد و تغییر می‌کرد.

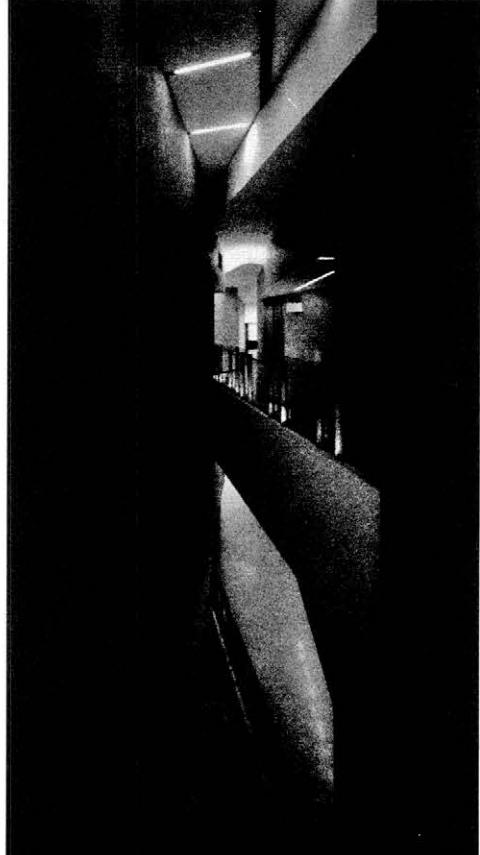
میدان فدراسیون رابطه نزدیکی با پروژه بندر یوکوهای اثر فرشید موسوی و الخاندرو زائروپولو دارد. با این تفاوت که در آن از ماسه سنگ به جای الوار استفاده شده تا سطوحی پیوسته با هندسه ای پیچیده را در میدان خلق کند.

پیتر دیویدسون، خود شخصاً تحسیش را نسبت به پروژه بندر یوکوهامای موسوی و زائروپولو ابراز می کند ولی معتقد است که محصول نهایی توانسته به طور کامل متداول‌زی طرح را منعکس کند.

در قسمت جنوبی سایت بخشی اضافه شده که شامل ساختمان تجاری و رستورانی در گوشه جنوب غربی است. بخش پشتی این رستوران نیز صحنه نمایش آمفی تئاتر سنگی را شکل می دهد که دارای صفحه نمایش الکترونیک است.

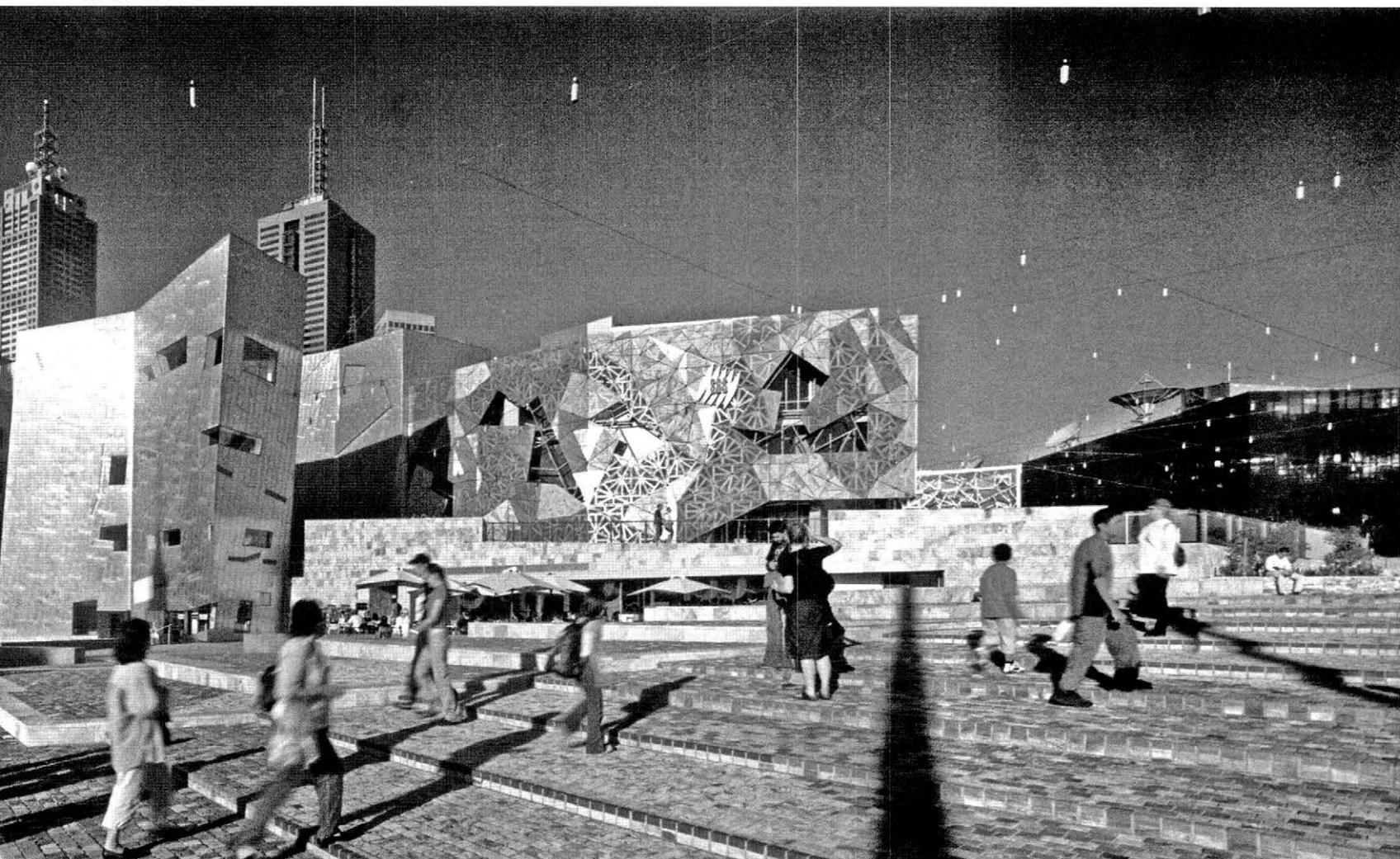
طرح میدان در هندسه کاشی های ماسه سنگی و ورق های گالوانیزه و شیشه هایی که ساختمان را می پوشاند، رشد و تکامل می یابد. این مصالح بسته به موقعیت خود به عنوان فیلتر های ضدآفتاب و یا پوسته ضدآب عمل می کنند.

از آنجا که درجه حرارت ملبورن بسیار متغیر است و از هوای خنک تا خیلی گرم در نوسان است دهليز عمومی سرپوشیده و بزرگی به ابعاد حدوداً ۲۰ متر ارتفاع و پهنا و ۱۴۰ متر طول طراحی شده تا میدان مرکزی رویاز در میدان فدراسیون را تکمیل نماید، این دهليز با شبکه ای با هندسه پیچیده و پالل های چند وجهی در فضای تو و رنگارنگ پوشانده شده است.



نمای داخلی از گالری ملی ویکتوریا متعلق به مجموعه

☒ منظر کلی میدان مقابل مجموعه



هندسه پیچیده پانل‌ها نیز در ابتدا با شکل مثلثی آغاز می‌شود و بعد به شکل پانل‌های ۵ ضلعی به صورت انبوه درمی‌آید و همین طور تا تعدادی شماری از پانل‌ها ادامه می‌یابد، در حالی که نسبت‌های پانل‌های اولیه در سرتاسر آن حفظ شده است. در نهایت همین قطعات هستند که مقیاس ساختمان را به شکلی موفقیت آمیز می‌شکنند و نمای بدون نظم و ترتیبی را شکلی می‌دهند که در کل ساختمان جریان می‌یابد و محیط‌های داخلی را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد.

خود مجموعه به دو بخش دهلیز شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود و کیفیت پوسته درونی و بیرونی برای تحمل وزن بخش‌هایی از کل ساختار مناسب است. دهلیز شمالی به طرف شمال شهر گشوده می‌شود و شکل یک خیابان درونی را می‌گیرد که کافه‌ها و مغازه‌های آن قرار گرفته است. در این قسمت سطوح شیشه‌ای مستقیماً بر روی سازه پوسته بیرونی متشکل از سپر باران و آفتابگیر قرار دارند و سطح درونی نیز باعث عایق بودن هوای محیط می‌شود.

دلیز جنوبی که به وسیله ساختمان‌ها از سه جناح محاصره شده نیز فضای انعطاف پذیری را ایجاد نموده که پوسته بیرونی آن به صورت دوجداره عایق‌بندی شده طراحی و ساخته شده و این در حالی است که پوسته درونی تا شده تا با هندسه پیچیده داخلی مطابقت پیدا کند.

تقویه فضای دهلیز به وسیله سیستم خنک کننده‌ای به نام لایبرنت⁷ صورت می‌گیرد و به غیر از درب شیشه‌ای کشویی که بالای پله‌های ورود به میدان قرار دارد، دهلیز عمده‌ای به صورت فضایی باز در نظر گرفته شده که بیشتر با شهر و کاربری‌های شهری کار می‌کند تا اینکه یک قلمرو محصور و مجزا باشد.

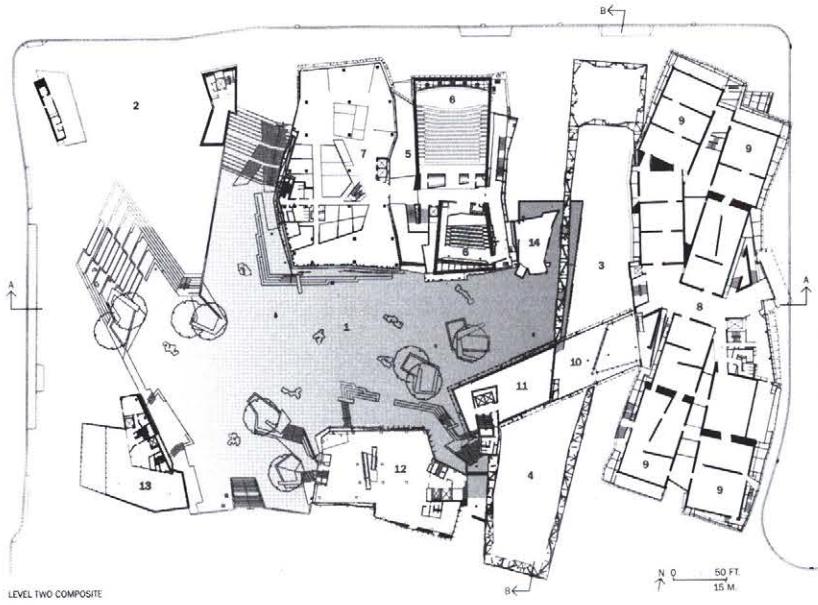
از مرتفع ترین نقطه میدان می‌توان مستقیماً در سطحی بالاتر به مرکز تصاویر متحرک استرالیا (ACMI) وارد شد و یا به سمت پایین و داخل دهلیز شیشه‌ای شمالی - جنوبی رفت که در آن ورودی اصلی گالری ملی ویکتوریا واقع شده است. فضای ۱۴۰۰۰ مترمربعی گالری از سه سطح تشیکل شده که هر طبقه دارای پله‌های هوایی است که از یک سوی فضا به سمت دیگر آن اتصال دارد. بنای گالری نیز که به رنگ تیره خاکستری مزین شده به سمت شمالی گشوده می‌شود. فضای سیرکولاژیون عمودی و مثلث شکل آن نیز فضاهای داخل یک زیگورات را تداعی می‌کند و فضاهای هشتی مانند آن به بازدید کنندگان اجازه این انتخاب را می‌دهد که قسمت‌های مختلف گالری را به دنبال هم و یا با انتخاب خودشان بیینند.

نمای داخلی از گالری ملی ویکتوریا متعلق به مجموعه



در داخل بناییز ستون‌های شیب دار و پله‌های برقی زاویه

دار، بلا فاصله طرح‌های زاها حیدری و تجربه مشارکت گروه معماری لب آرکیتکچر با وی را به یاد می‌آورد. از طرفی، نوارهای پریچ و خم پنجره‌ها و نورپردازی فضاهای داخلی و بسته نیز، موزه طراحی شده توسط دنیل لیسکیند در برلین را تداعی می‌کند. البته این مسئله تعجب آور نیست به علت اینکه دونالد بیتز زمانی که لیسکیند مسابقه برلین را سرپرستی می‌کرد در دفتر وی همکاری نمود. خصوصاً پرسپکتیو اوج گرفته یک راه پله فرعی که بین پوسته ساختمان و دیوارهای گالری قرار گرفته، فرم پله‌های یکی از پژوههای قلیلی وی را تکرار می‌کند. صرف نظر از شرایط داخلی سایت، میدان فدراسیون برای تبدیل شدن به قسمتی از بافت شهری طراحی شده و به‌گونه‌ای، تفسیری دوباره از راههای ارتباطی شهر می‌بورن است که هم شهر و هم گسترش میدان فدراسیون منجر به غنای فضای ایجاد شده می‌شوند، به این حالت که کاربری‌ها و فرم‌های مختلف، علی‌رغم تفاوت‌های ظاهری با یکدیگر بیوندی می‌خورند. شاید استرالیا برای پذیرش نمادی پیچیده‌تر و جذاب‌تر از اپرای سیدنی آماده باشد ولی نکته در اینجاست که آیا میدان فدراسیون می‌تواند این وظیفه را بردوش بگیرد؟



پلان مجموعه

منظر کلی مجموعه





نمای داخلی از آتیوم بزرگ شیشه‌ای

بی‌نوشت:

1. Federation Square
2. Lab Architecture
3. Peter Davidson
4. Donald Bates
5. Yara
6. Piazza San Marco
7. Labirent

منابع:

1. Architectural Record, June 2003.
2. The Architectural Review, May 2003.
3. World Architecture, January 2003.



یکی از فضاهای نمایشی در بخش ACMI